

هوَالفَتَاحِ الْعَلِيمِ
شرح أنوار بر أنوار
در پرتو
تبیانِ مجمعِ بیان و کشفِ اسرارِ روحِ جنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ
لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا

اثر: دکتر سید امیر محمود انوار

از: دانشگاه تهران

«مقاله اول»

چکیده:

قاضی ناصرالدین ابی سعید عبدالله بن عمر بن محمد شیرازی بیضاوی دانشمند و فقیه و مفسر بزرگ قرن هشتم فارس و ایران را تفسیری ارجمند، بنام أنوار التنزیل و أسرار التأویل است که در طول تاریخ، از زمان تألیف، مورد توجه دانشمندان و مفسران بزرگ اسلامی بوده است و بیش از پنجاه شرح و تعلیقه بر آن نگاشته‌اند. گروهی أنوار را شرح و تعلیقه‌ای بر کشف اثر جارالله زمخشری دانسته‌اند، اما از آنجا که جارالله را مذهب حنفی و مکتب معتزلی بوده است و قاضی را مذهب شافعی و مکتب اشعری، قاضی در ضمن تفسیر خود به ردّ و جواب جارالله پرداخته و طرحی نو در انداخته و ضمناً به حبل‌المتین شیخ الطائفه طوسی و علامه طبرسی چنگ انداخته و تلویحاً به ردّ عقائد ایشان نیز پرداخته است.

قاضی را در این تفسیر خطبه‌ای غزّاء و کوتاه و عمیق است که شرح آن خود کتابی را اقتضاء می‌کند و نگارنده این مقال بر آن شد که این شاء الله شرحی بر آن نویسد و ضمناً مقاصد و مرامی والای شیخ طوسی و علامه طبرسی و جارالله زمخشری و ابوالفتوح رازی و میبیدی و قاضی بیضاوی را بیان کند و وجوه تفوق اقوال را در سایه آثارشان، بهمراه افاضات دیگر مفسران و شارحان عیان دارد.

و با ذکر اصل کتابت ایشان، جهت تعلیم متون قدیم تازی و پارسی به طالبان، مقالت را پایان برد. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. و نخست از بزرگترین آیه قرآن کریم آغاز کند. چه:

كَلَّ امْرِئِي بِال لَمْ يَبْدَأْ فِيهِ بِبِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ اَبْتَرُ

و از آنجا که شرح کلام بلند قرآنی و بیان دقائق و حقائق فرقانی را راهی طولانی است و در این معدود اوراق ننگنجد، لذا پهنه سخن را به مقالاتی چند تقسیم نمود تا هر مقاله در ضمن ارتباط با قبل خود منحصرأ دارای شأنی باشد چه:

هر گلی را رنگ و بوئی داده‌اند. هر نگاری را به شکلی زاده‌اند چشم نرگس را خمارین، لاله را داغ عشقی بر جبین بنهاده‌اند^(۱)

متن خطبه قاضی بیضاوی بر أنوار التنزیل و أسرار التأویل:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا، فَتَحَدَّثِي بِأَقْصَرِ سُورَةٍ مِنْ سُورِهِ مَصَافِعَ الْخُطَبَاءِ مِنَ الْعَرَبِ الْعَرَبَاءِ فَلَمْ يَجِدْ بِهِ قَدِيرًا، وَأَفْحَمَ مَنْ تَصَدَّقِي لِمَعَارَضَتِهِ مِنْ فَصَحَاءِ عَدَنَانَ وَبُلْغَاءِ قَحْطَانَ حَتَّى حَسِبُوا أَنَّهُمْ سُحْرُوا تَسْحِيرًا، ثُمَّ بَيَّنَّ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ حَسَبَمَا عَنَّ لَهُمْ مِنْ مَصَالِحِهِمْ لِيَذَّبُوا آيَاتِهِ، وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ تَذَكِيرًا، فَكَشَفَ لَهُمْ قِنَاعَ الْإِنْغِلَاقِ عَنْ آيَاتٍ مُحْكَمَاتٍ هُنَّ أُمَّ الْكِتَابِ، وَ أَخْرَجَ مُتَشَابِهَاتٍ هُنَّ رُمُوزُ الْخِطَابِ تَأْوِيلًا وَ تَفْسِيرًا، وَ أَبْرَزَ غَوَامِضَ

الْحَقَائِقِ وَ لَطَائِفِ الدَّقَائِقِ، لِيَتَجَلَّى لَهُمْ خَفَايَا الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ وَ خَبَايَا قُدْسِ
الْجَبْرُوتِ لِيَتَفَكَّرُوا فِيهَا تَفَكُّيراً، وَ مَهَّدَ لَهُمْ قَوَاعِدَ الْأَحْكَامِ وَ أَوْضَاعَهَا مِنْ نُصُوصِ
الآيَاتِ وَ الْمَاعِهَا، لِيَذْهَبَ عَنْهُمْ الرَّجَسُ وَ يُطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً، فَمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْفَى
السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ، فَهَوَ فِي الدَّارَيْنِ حَمِيدٌ وَ سَعِيدٌ، وَ مَنْ لَمْ يَرْفَعْ إِلَيْهِ رَأْسَهُ وَ أَطْفَأَ
بِنِزَاسِهِ، يَعِشُ ذَمِيماً وَ يَضَلُّ سَعيراً. فَيَا وَاجِبَ الْوُجُودِ، وَ يَا فَائِضَ الْجُودِ، وَ يَا غَايَةَ
كَيْلِ مَقْصُودِ، صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةَ تُوَازِي غِنَاءَهُ، وَ تُجَازِي عَنَاءَهُ، وَ عَلَى مَنْ أَعَانَهُ وَ قَرَّرَ
بُنْيَانَهُ تَقْرِيراً، وَ أَفِضْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِهِمْ وَ اسْأَلْ بِنَا مَسَائِلِكَ كَرَامَاتِهِمْ، وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَ
عَلَيْنَا تَسْلِيماً كَثِيراً.

وَ بَعْدُ، فَإِنَّ أَعْظَمَ الْعُلُومِ مِقْدَاراً وَ أَرْفَعَهَا شَرَفاً وَ مَنَاراً، عِلْمُ التَّفْسِيرِ الَّذِي هُوَ
رَيْسُ الْعُلُومِ الدِّيْنِيَّةِ وَ رَأْسُهَا، وَ مَبْنَى قَوَاعِدِ الشَّرْعِ وَ أَسَاسُهَا، لَا يَلِيْقُ لِنِغَاطِيهِ
وَ التَّصَدَّى لِلتَّكَلُّمِ فِيهِ إِلَّا مَنْ بَرَعَ فِي الْعُلُومِ الدِّيْنِيَّةِ كُلِّهَا أَصُولَهَا وَ فُرُوعَهَا، وَ فَاقَ فِي
الصَّنَاعَاتِ الْعَرَبِيَّةِ وَ الْفُنُونِ الْأَدَبِيَّةِ بِأَنْوَاعِهَا. وَ لَطَالَمَا أَحَدَّثْتُ نَفْسِي بِأَنَّ أَصَنَّفَ فِي
هَذَا الْفَنِّ كِتَاباً يَحْتَوِي عَلَى صَفْوَةِ مَا بَلَغَنِي مِنْ عِظَمَاءِ الصَّحَابَةِ، وَ عُلَمَاءِ التَّابِعِينَ، وَ
مَنْ دُونَهُمْ مِنَ السَّلَفِ الصَّالِحِينَ، وَ يَنْطَوِي عَلَى نُكْتِ بَارِعَةٍ، وَ لَطَائِفِ رَازِعَةٍ،
أَسْتَنْبَطْتُهَا أَنَا وَ مَنْ قَبْلِي مِنْ أَفَاضِلِ الْمَتَأَخِّرِينَ، وَ أَمَاثِلِ الْمُحَقِّقِينَ، وَ يُعْرَبُ عَنْ
وُجُوهِ الْقِرَاءَاتِ الْمَشْهُورَةِ الْمَعْرُورَةِ إِلَى الْأَيْمَةِ الثَّمَانِيَّةِ الْمَشْهُورِينَ، وَ الشَّوَادِ الْمَرْوِيَّةِ
عَنِ الْقُرَاءِ الْمُعْتَبَرِينَ، إِلَّا أَنَّ قُصُورَ بِضَاعَتِي يُبْطِئُنِي عَنِ الْأَقْدَامِ، وَ يَمْنَعُنِي عَنِ
الانْتِصَابِ فِي هَذَا الْمَقَامِ حَتَّى سَنَحَ لِي بَعْدَ الْأَسْتِخَارَةِ مَا صَمَّمْتُ بِهِ عَزْمِي عَلَى
الشَّرُوعِ فِيهَا أَرْدَتَهُ، وَ الْإِتْيَانِ، بِمَا قُصِدَتْهُ، نَاوِياً أَنْ أُسَمِّيَهُ بَعْدَ أَنْ أُتِمَّمَهُ «بِأَنْوَارِ
التَّنْزِيلِ وَ أَسْرَارِ التَّأْوِيلِ». فَهِيَ أَنَا الْآنَ أَشْرَعُ وَ بِحُسْنِ تَوْفِيقِهِ. أَقُولُ وَ هُوَ الْمَوْفُوقُ لِكُلِّ
خَيْرٍ وَ مُعْطَى كُلِّ مَسْئُولٍ.

شرح :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری وجودی همه جود، لایزال و لایتناهای وجود، بی آغازی بی انتها، بی انبازی یکتا، تمام کمال و جمال، بی همال و سراسر جلال، بخشاینده همگان، و مهربان مؤمنان آغاز می‌کنم.

ز دریای زخار و موج دوست	نخستین در معرفت نام اوست
بگفتا به بسم‌آله آغاز کن	بدین نام برأوج پرواز کن
به توفیق ما بر سر کار شو	به تأیید ماهمروه یار شو
زما یاوری خواه و یاری بجو	ز دل حمد و تسبیح ما باز گو
به الله مستجمع لطف و قهر	که او راست ز آسمان نیکوی بحر
به الله یکسر کمال و جمال	همه خیر و خوبی و مجدو جلال
تو آغاز کن کار و گفتار خویش	که با او نیابی ز بیگانه ریش (۲)

قاضی رحمة الله تعالی علیه خطبه آغازین انوارالتنزیل و اسرارالتأویل را با نام آفریدگار جهانیان و پروردگار ایشان آغاز کرد چه در حدیث است که **كُلُّ أُمَّرٍذَى بَالٍ لَمْ يَبْدَأْ فِیْهِ بِبِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ أَبْتَرٌ** و اگر چه تمام آیات کریمه قرآن مجید در لفظ و معنی به حقیقت بزرگ و عالی قدر هستند اما شکی نیست که بزرگترین و عالی قدرترین آنها **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** است.

اما از جانب دیگر همین آیه کریمه بزرگترین، نزد مذاهب گوناگون اسلامی و مکاتب مختلف کلامی دستخوش أهواء گشته و بعضی آنرا اصلاً از قرآن کریم ندانسته‌اند و بعضی تنها اولین آیه از سوره مبارکه الحمد دانسته و بعض دیگر به حق نخستین آیه قرآن کریم و فاصله میان سوره و بزرگترین آیات شمرده‌اند و این عقیده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه اطهار علیهم السلام است.

از میان مذاهبِ اهل سنت شافعیان نیز در این عقیدت با شیعه همراهند و قاضی
 رحمة الله تعالى عليه شافعی بوده است و در تفسیر این آیت گوید:
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، من الفاتحة و من کلّ سورة و علیه قرّاء مکّة و الکوفة و
 فقها و هما و ابن المبارک رحمة الله تعالى و الشافعی و خالفهم قرّاء المدينة و البصرة
 و الشام و فقهاؤها و مالک و الأوزاعی و لم ینصّ ابو حنیفة رحمة الله تعالى فيه بشیء
 فَظَنُّ أَنهالیست من السورة عنده و سُئِلَ محمد بن الحسن عنها فقال ما بین الدفتین
 کلام الله تعالى و لنا أحادیث كثيرة منها ما روی أبوهريرة رضی الله تعالى عنه أنه
 علیه الصلاة والسلام قال فاتحة الكتاب سبع آیات أولاهنَّ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ و
 قول أم سلمة رضی الله عنها قرأ رسول الله صلى الله عليه و [آله] و سلم الفاتحة و عدَّ
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الحمد لله رب العالمین آية و مِنْ أَجْلِهما اختلف فی أنها آية
 برأسها أم بما بعدها و الا جماع على أنّ ما بین الدفتین کلام الله سبحانه و تعالى و
 الوفاق على اثباتها فی المصاحف مع المبالغة فی تجريد القرآن حتّى کم تُکتب
 آمین. (۳)

این نکته را باید در نظر داشت که اختلافی درباره بسم الله الرحمن الرحيم در
 سورة مبارکه نمل نیست چه همه اتفاق نظر دارند که بسم الله ... جزئی از آیه ۳۱
 سورة مبارکه نمل است. آنجا که قرآن کریم از قول بلقیس چنین می آورد: قالت یا ایها
 الملأ ائی الیّ کتاب کریم (۳۰) انه من سلیمان و انه بسم الله
 الرحمن الرحيم (۳۱) اما در میان کسانی که این آیه کریمه را سرآغاز تمام سور میدانند
 اختلاف است که آیا منحصرأ یک آیه کامل محسوب می گردد یا با آیه بعدی یک آیه
 را تشکیل می دهد.

جمال الدین أبو الفتح رازی، مفسر بزرگ شیعی در قرن ششم هجری، قبل از
 قاضی بیضاوی، به شرح اختلاف فقهاء در باره این آیه کریمه پرداخته است و
 می گوید: بدان که بسم الله الرحمن الرحيم آیتی است از فاتحة الكتاب و از هر

سورتی، و این مذهب اسحق و ابو ثور و احمد و ابو عبیده و عطاء وزهری و عبدالله مبارک است، و مذهب شافعی آنست که این آیه از فاتحه آیتی است تمام، و از دیگر سورتها بعضی از آیتی است. این را با مابعد این آیت شمارد، بر یک قول و قول دیگر موافق قول ما و این اختلاف فقهاست که گفتیم و مذهب ابوحنیفه و مالک و اوزاعی آنست که از قرآن نیست نه از الحمد آیتی هست و نه از دیگر سورتها [در اینجا باید خاطر نشان کرد که قاضی بر ابوالفتوح و دیگر مفسران قبل از خود در باره عقیده ابوحنیفه ایراد کرده است که عدم اظهار عقیده ابوحنیفه موجب شده است که بعضی گمان کنند ابوحنیفه نیز چون مالک قائل است که بسم الله الرحمن الرحیم از سوره نیست آنجا که در انوار التنزیل گفته است (ولم یمنص أبو حنیفة رَحِمَهُ اللهُ تعالیٰ فیہ بشیء فظنَّ أنها لیست من السورة عنده)].

مالک گوید: در نماز خواندن مکروه است. و از ابوالحسن کرخی دو روایت است یکی موافق مذهب ما، و یکی موافق مذهب ابوحنیفه، و این اختلاف فقهاست در این آیه، اما دلیل بر مذهب صحیح از این مذاهب چند چیز است یکی آنکه با اتفاق و اجماع اُمّت، این بعضی است از آیتی در سوره النمل، و اگر همه اُمّت را گویند چراگفتی که این آیه در سوره النمل از قرآن است گویند برای آنکه در مصحف یافتیم نوشته بخط مصحف به رنگ سواد مصحف، بر وجهی که هیچ مخالفت و فرق و تمییز نبود. لابد: حکم بایست کردن که از قرآن است و إلا اگر نه چنین باشد که بسیار آیتها برون آرد و گوید که نه از قرآن است با آنکه این قضیه در حق او ثابت باشد و این مؤدّی بود با خرق اجماع و فتح باب جهالت. ابوالفتوح، سپس به بیان دلائلی می پردازد و با حجّت و دلیل و ذکر اخبار و احادیث ثابت می کند که بسم الله الرحمن الرحیم نه تنها از قرآن است بلکه بزرگترین و نیز نخستین آیه از هر سوره می باشد. (۴)

ابو علی فضل بن حسن طبرسی مفسر بزرگ شیعه متوفی بسال ۵۴۸ هـ (۵) در این

مورد داد سخن داده و نظر علمای امامیه را اینگونه بیان میدارد: «اتَّفَقَ أصحابنا أنَّها آیه من سورة الحمد و من كلِّ سورة و أنَّ من تركها في الصلاة بطلتْ صلاته، سواء كانت الصلاة فرضاً أو نقلاً و أنَّه يجب الجهر بها فيما يجهر فيه بالقراءة و يستحبُّ الجهر بها فيما يخافت فيه بالقراءة و في جميع ما ذكرناه خلاف بين فقهاء الأمة و لا خلاف في أنَّها بعض آیه من سورة النمل و كلُّ من عدَّها آیه جعل من قوله صراط الذين إلى آخر السورة آیه و من لم يعدها آیه جعل صراط الذين أنعمت عليهم آیه و قال انها افتتاح للتيمن و التبرک و أمَّا القراء فإنَّ حمزة و خلفاً و يعقوب و اليزيدي تركوا الفصل بين السور بالتسمية و الباقون يفصلون بينها بالتسمية إلا بين الأنفال و التوبة.

روی عن علی بن موسی الرضا (ع) أنه قال بسم الله الرحمن الرحيم أقرب إلى أسم الله الأعظم من سواد العين ألى بناضها و روى عن الصادق (ع) أنه قال مالهم قاتلهم الله عمدوا ألى اعظم آیه في كتاب الله فزعموا أنها بدعة اذا أظهروها و هي بسم الله الرحمن الرحيم. (٤)

أبوالمفسرین، أبو جعفر محمد بن جریر طبری متوفى به سال ٣١٠ هـ در أم التفسیر موسوم به جامع البیان فی تأویل القرآن، چه نیکو آورده است که: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ أَدَبَ نَبِيِّهِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بِتَعْلِيمِهِ، تقديم ذكر اسمائه الحُسنى امام جميع أفعاله، و تقدم إليه في وصفه بها قبل جميع مُهمَّاته، و جعل ما أدَّبَهُ من ذلك و علَّمه أتياء، منه لجميع خلقه سنة يستنون بها، و سبيلاً يتبعونه عليها، فيه أفتتاح أوائل منطقهم، و صدور رسائلهم و كتبهم و حاجاتهم، حتى أغنت دلالة ماظهر من قول القائل بسم الله، على ما بطن من مراده الذي هو محذوف.

سپس حدیثی از ابوکریب نقل می کند که به ابن عباس منتهی می گردد که: إِنَّ أَوَّلَ مَا نَزَّلَ بِهِ جِبْرِيلَ عَلَى مُحَمَّدٍ (ص)، قال: يا مُحَمَّد، قُل: أَسْتَعِيذُ بِالسَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ

الشیطان الرجیم. ثمَّ قال: قل: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ قال: قال له جبریل: قُلْ بِسْمِ اللّٰهِ يَا مُحَمَّد، یقول: اقرأ بذكر الله ربك، و قم واقعد بذكر الله. (۷)

جلال‌الدین سیوطی متوفی بسال ۹۱۱ هـ در الدار المنثور فی التفسیر المأثور با اسنادهای طولانی بذكر احادیثی قوی و ضعیف در باره این آیه کریمه می‌پردازد و سلسله سند را به امّ سلمه و بریده و ابن عباس و ابن عمر و سعید بن جبیر و ابن مسعود و ابوهریره و علی بن زید بن جدعان و انس و حضرت علی ابن ابی طالب علیه‌السلام و جابر و نعمان بن بشیر و حکم بن عمیر و عائشه و محمد بن کعب قرظی و عثمان بن عفّان و ابوسعید خدری و گروهی دیگر رحمهم الله تعالی و رضی عنهم می‌رساند (۸) و مابا تحقیق در آنها به نتایج زیر می‌رسیم که:

۱ - نخستین آیه که بر پیمبر اکرم نازل شده است آیه‌ای است که نام اعظم خدای تعالی یعنی الله در آن آمده است و سپس صفتی که بر رحمت شامله حق جلّ و علی بر همه موجودات و مخلوقات عالی و دانی دلالت دارد و آن الرَّحْمٰن است. و بعد از آن صفتی که به رحمت حق بر مقرّبان و مخلصان و مؤمنان و خواصّ تعلق یابد و آن رحیم است.

۲ - هر حرف از این بزرگترین آیه، بر معنایی نیز اشارت دارد.

۳ - این آیه کریمه در فاصله میان سُور نازل می‌شده است و بر سر همه سوره‌ها آمده است [جز سوره مبارکه براءة].

۴ - ترک آن موجب خلل در سبع‌المثانی و نقض آنست و از آنجا که حضرتش فرموده است لا صلوة إلاّ بفتح الکتاب پس چون در نماز بیفتد، حمد ناقص و نماز باطل شود.

۵ - این آیه کریمه قبل از پیمبر اکرم (ص) بر پیمبران گذشته نیز نازل شده است.

۶ - پیمبر اکرم و به تبعیت ایشان، صحابه، آنرا در نماز یا قراءت قرآن کریم، با صدای بلند می‌خوانده‌اند.

- ۷- حضرت رسول اکرم (ص) و صحابه به تفسیر این آیه کریمه پرداخته‌اند.
 - ۸- با قراءت این کریمه انواع بلا دور می‌گردد.
 - ۹- قراءت این آیه را موجب نجات از آتش دوزخ دانسته‌اند.
 - ۱۰- ثواب قراءت آن نه تنها به خود خواننده، بلکه به معلم و پدر و مادر نیز می‌رسد.
 - ۱۱- این آیه کلید گشایش هر کتابی است.
 - ۱۲- طرز کتابت این آیه سفارش شده است.
 - ۱۳- کتابت آن بدست شخص ناپاک مکروه است.
 - ۱۴- هر که از باب تعظیم خدای تعالی این آیه را با خطّ خوش نویسد خدای تعالی گناهان او را بیامرزد.
 - ۱۵- در کتابت این آیه چنان دقت می‌کردند که اگر کسی حرفی از حروف آنرا بد خط می‌نوشت او را می‌زدند و یا از شغل کتابت عزل می‌نمودند.
 - ۱۶- از انداختن آن به زیر پا یا نهادن در جای نامناسب نهی و لعن کرده‌اند و بردارنده آنرا از جای نامناسب نوید رحمت حقّ داده‌اند. رحمتی که به والدین او نیز می‌رسد. گر چه آندو کافر باشند.
 - ۱۷- بعضی از راویان گفته‌اند که رسول اکرم (ص) بخاطر استهزاء مشرکان و کافران قریش و مکه این آیه بزرگ را به‌سرار می‌خوانده‌اند و به جهر بیان نمی‌نمودند و حتی امر به‌سرار و عدم جهر آن فرموده‌اند و این موضوع عقلانی نیست چه پیمبری که برای تبلیغ دین مبین آمده است و مأمور رساندن و مهر کردن نام و صفات بزرگ خدای تعالی به گوشها است. بزرگترین و عالیقدرترین آیه قرآن را آرام و کوتاه نمی‌خواند و إن شاء الله تعالی در سطور آینده به نظر ائمه و مفسران شیعه علیهم السلام در این باره می‌پردازیم تا صدق مدعی عیان شود و نقد احادیث درباره جهر یا‌سرار در قراءت بسم‌الله اظهار گردد.
- البته این موضوع را باید در نظر داشت که سیوطی احادیث مربوط به جهر آیه را

ابتداء آورده و مربوط به اِسرار را در آخر بیان کرده است.

حال از آنجا که مقاله را وسیله تعلیم و تعلّم می دانم با حذف اسامی راویان به ذکر بعضی از احادیث مروّیه در الدرّ المنثور می پردازم تا دانشجویان و محققان را اِنْ شاء الله بکار آید و از آنجا که تَعَلَّم زبان عربی، به اعتبار و احترام قرآن کریم و دین مبین اسلام، برای هر مکلفی مقبول و فرض است تا کلام خدای تعالی و فرائض دین را نیکو فرا گیرد و بفهمد و بکار برد. از جانب دیگر معلوم شود که این آیه از قرآن است و بر هر سوره‌ای، جز سوره مبارکه براءة قرار دارد و آنرا نیز باید با صدای بلند قراءت کرد.

عن امّ سلمه: أن النبی (ص) كان یقرأ «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمین، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، ملك يوم الدين، ایتاک نعبد و ایتاک نستعین، اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین أنعمت علیهم غیر المفضوب علیهم ولا الضّالّین» قطعها آیه آیه و عدّها عدّ الاعراب، و عدّها بسم الله الرحمن الرحيم و لم يعد علیهم».

عن ابن عباس قال: بسم الله الرحمن الرحيم آیه

عن ابن عمر: أنّ رسول الله (ص) قال: كان جبریل اذا اجاء نى بالوحى اول ما یلقی علیّ بسم الله الرحمن الرحيم. و عنه أيضاً: نزلت بسم الله الرحمن الرحيم فى كل سورة.

عن ابن عبّاس قال: كان النبی (ص) لا يعرف فصل السّورة - و فى لفظ، خاتمة السّورة حتّى تنزل علیه بسم الله الرحمن الرحيم، زاد البزاز، و الطبرانی، فإذ انزلت، عرف أن السّورة قد حُتِمَتْ و استقبِلَتْ، أو أُبتدِئَتْ سورةً أُخرى.

وعنه أيضاً: كان المسلمون لا يعرفون انقضاء السّورة حتّى تُنزل بسم الله الرحمن الرحيم فاذا نزلت عرفوا أن السّورة قد انقضت.

عن أبی هريرة قال: قال رسول الله (ص) علّمنى جبریل الصلاة فقام فكبر لنا ثم قرأ بسم الله الرحمن الرحيم فيما یجهر به فى كلّ ركعة.

عن علي بن زيد بن جدعان: أن العبادة كانوا يستفتحون القراءة بسم الله الرحمن الرحيم ويجهرون بها. عبدالله بن عباس ، و عبدالله بن عمر ، و عبدالله بن الزبير.
 عن أبي هريرة قال: كنتُ مع النبي (ص) في المسجد اذ دخل رجل يصلي، فافتتح الصلوة، و تعوذ ثم قال: الحمد لله رب العالمين ، فسمع النبي فقال: يا رجل قطعت علي نفسك الصلاة، أما علمت أن بسم الله الرحمن الرحيم من الحمد. فمن تركها فقد ترك آية، و من ترك آية فقد أفسد عليه صلاته.

و عن علي (ع) أنه كان اذا افتتح السورة في الصلاة يقرأ بسم الله الرحمن الرحيم و كان يقول من ترك قراءتها نقص و كان يقول هي تمام السبع المثاني من طريق أبي طفيل قال: سمعت علي بن أبي طالب، و عمارة يقولان: إن رسول الله (ص) كان يجهر في المكتوبات ب بسم الله الرحمن الرحيم في فاتحة الكتاب.

عن أبي هريرة قال : كان رسول الله (ص) يجهر ب بسم الله الرحمن الرحيم السورتين في الصلاة وأخرج الدارقطني عن علي بن أبي طالب (ع) قال : كان النبي (ص) يجهر ب بسم الله الرحمن الرحيم في السورتين جميعاً.

و عن ابن عمر قال : صلّيت خلف النبي (ص) و أبي بكر و عمر فكانوا يجهرون. ب بسم الله الرحمن الرحيم عن النعمان بن بشير قال : قال رسول الله أمّني جبريل عليه السلام عند الكعبة ، فجهر ب بسم الله الرحمن الرحيم.

عن الحكم بن عمير و كان بدرياً قال «وصلّيت خلف النبي (ص) فجهر في الصلاة بسم الله الرحمن الرحيم في صلاة الليل و صلاة الغداة و صلاة الجمعة.

أمّا باكمال تعجب، در برابر احاديثي كه بر جهر اين آيه كريمه از جانب پيغمبر اكرم (ص) دلالت دارد، احاديثي را مي نگريم كه حاكي از آن است كه حضرت به عدم جهر آيه پرداخته است و بي شك اين احاديث نبايد موثق باشد:

أخرج أبو داود في مراسيله عن سعيد بن جبير قال : كان رسول الله (ص) يجهر ب بسم الله الرحمن الرحيم بمكة ، و كان أهل مكة يدعونه مسيلمة الرحمن فقالوا: إن

محمد آمدیدعو الی الیه الیمامة، فأمر رسول الله (ص) بإخفائها، فما جهر بها حتی مات. وأخرج الطبرانی من طریق سعید بن جبیر عن ابن عباس قال: كان رسول الله (ص) إذا قرأ «بسم الله الرحمن الرحيم» هزأ منه المشركون و قالوا: محمد يذكر الیه الیمامة، وكان مسیلمة یتسمی الرحمن. فلما نزلت هذه الآية أمر رسول الله (ص) أن لا یجهر بها.

از جانب دیگر کار رابه جائی رسانده اند که جهر به «بسم الله الرحمن الرحيم» را بدعت دانسته اند.

أخرج ابن أبي شیبہ عن ابراهیم قال: جهر الامام «بسم الله الرحمن الرحيم» بدعة. در صورتیکه ابو الفتوح رازی گوید: از حضرت رضا (ع) روایت کردند از پدرش کاظم (ع) از پدرش صادق (ع) که فرمود: اجتمع آل محمد (ص) علی الجهر ببسم الله الرحمن الرحيم و علی قضاء مافات من الصلوة فی اللیل بالنهار، علی قضاء مافات فی النهار باللیل و علی أن یقولوا فی أصحاب النبی (ص) أحسن قول. گفت آل محمد اجماع کردند بر آنکه آواز بر باید داشتن باین آیه. و بر قضاء نماز شب به روز ب باید کردن و قضاء نماز روز به شب و در صحابه رسول خیر باید گفتن. و در سبب نزول آیت که «ولا تجهر بصلاتک و لا تخافت بها» آورده اند که رسول (ص) به مکه چون نماز کردی آواز بلند برداشتی، به قراءت بسم الله الرحمن الرحيم مشرکان گفتند رحمن یمامه را می خواند یعنی مسیلمه کذاب و رسول (ص) آواز نرم کرد به این آیه، چنانکه کس نمی شنید. حق تعالی این آیه فرستاد «ولا تجهر بصلاتک» یعنی جهرأ یسمعه المشرکون فیستهزئون «ولا تخافت بها» اخفاتاً لا یسمعه أصحابک «وابتغ بین ذلك سبیلاً»^(۹)

و حق همین است که حق تعالی به پیامبر بزرگوارش تعلیم فرموده است چه بر رسول است که لجاجت مشرکان را برنینگیزد و راه تعادل در ابلاغ و تبلیغ خود پیماید و به عقلا و وجدانهایشان فرصت دهد تا بیدار گردند و حق را پذیرند.

سید هاشم بحرانی نیز به ذکر احادیثی از ائمه علیهم السلام در شأن این آیه کریمه پرداخته است که به برخی از آنها اشارت می‌کنیم:

محمد بن حسن طوسی با سندش از محمد بن مسلم نقل می‌کند که از اباعبدالله (ع) می‌پرسد:

۱ - «قال سألتُ أبا عبد الله (ع) عن السبع المثاني و القرآن العظيم أهي الفاتحة؟

قال نعم، قلت بسم الله الرحمن الرحيم من السبع؟ قال نعم هي أفضلهن.

۲ - قيل لامير المؤمنين يا أمير المؤمنين أخبرنا عن بسم الله الرحمن الرحيم، أهي

من فاتحة الكتاب فقال نعم كان رسول الله يقرأ ويعدها منها ويقول فاتحة الكتاب هي السبع المثاني.

۳ - عن أبي حمزة عن أبي جعفر (ص) قال سرقوا اكرم آية من كتاب الله

بسم الله الرحمن الرحيم.

۴ - عن صفوان الجمال قال قال ابو عبد الله (ع) ما أنزل الله كتاباً إلا و فاتحته

بسم الله الرحمن الرحيم وإنما كان يعرف انقضاء السورة بنزول بسم الله الرحمن الرحيم ابتداءً للأخرى.

عن أبي جعفر، و أبي عبد الله (ع) : قال في تفسير بسم الله الرحمن الرحيم:

الباء: بهاء الله والسين: سناء الله و الميم: ملك الله و الله: اله كل شىء و الرحمن

بجميع خلقه و الرحيم بالمؤمنين خاصة. و باز از حضرت ابى عبد الله روايت شده

است كه الميم مجد الله و الله إله كل شىء و الرحمن بجميع خلقه و الرحيم بالمؤمنين خاصة.

از حسن بن على بن محمد عليهم السلام در باره بسم الله الرحمن الرحيم سؤال شد: فرمود. هو الله الذى يتأله إليه عند الحوائج و الشدائد كل مخلوق عند انقطاع الرجاء عن كل من هو دونه و تقطع الاسباب من جميع من سواه تقول باسم الله اى استعين على امورى كلها بالله الذى لا تحق العبادة إلا له و المغيث اذا استغيث و

المجیب اذا دعی و هو ما قال رجل للصادق یابن رسول الله دکنی علی الله ما هو، فقد اکثر علی المجادلون و حیرونی؟ فقال له یا عبدالله هل رکت سفینه قط؟ قال نعم فقال هل کسرت بك حیث لاسفینه تنجیک ولا سباحة تغنیک؟ قال نعم قال الصادق علیه السلام فهل تعلق قلبک هنا لك ان شیئاً من الاشیاء قادر علی ان یخلصک من ورطتک؟ قال نعم قال الصادق علیه السلام فذلک الشیء هو الله القادر علی الإنجاء حیث لا منجى و علی الاغاثة حیث لا مغيث ثم قال الصادق علیه السلام و لربما ترک بعض شیعتنا فی افتتاح امره بسم الله الرحمن الرحیم فیمتحنه الله عز و جل بمکروه لینبهه الله علی شکر الله تبارک و تعالی و الثناء علیه و یمحق عنه و صمة تقصیره عند ترکه قوله بسم الله الرحمن الرحیم قال و قام رجل الی علی بن الحسین علیه السلام فقال اخبرنی ما معنی بسم الله الرحمن الرحیم؟ فقال علی بن الحسین حدثنی ابی، عن اخیه الحسن، عن امیر المؤمنین علیه السلام ان رجلاً قام الیه فقال یا امیر المؤمنین اخبرنی عن بسم الله الرحمن الرحیم ما معناه؟ فقال ان قولک الله اعظم اسماء الله عز و جل و هو الاسم الذی لا ینبغی ان یرسم به غیر الله و لم یرسم به مخلوق فقال الرجل فما تفسیر قول الله؟ قال هو الذی یتأله الیه عند الحوائج و الشدائد کل مخلوق عند انقطاع الرجاء من جمیع من دونه و تقطع الاسباب من کل ما سواه و ذلک کل متأنس فی هذه الدنیا و متعظم فیها و ان عظم غناه و طغیانه و کثر حوائج من دونه الیه فانهم سیهتاجون حوائج لا یقدر علیه فینقطع الی الله حین ضرورته و فاقته حتی اذا کفی همه عادالی شرکه اما تسمع الله عز و جل یقول، «قُلْ أَرَأَیْتُمْ إِنْ أَنْتُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَنْتُمْ السَّاعَةُ أَعِیرَ اللَّهُ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فِی كُفْرٍ مَا تَدْعُونَ إِلَیهِ إِنْ شَاءَ وَ تَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ» * فقال الله عز و جل لعباده ایها الفقراء الی رحمتی إتی قد الزمتکم الحاجة الی فی کل حال و ذلة العبودية فی کل وقت فإلی

فأفزعوا في كل أمر تأخذون و ترجعون تماما و بلوغ غايته فاني ان أزدت ان اعطيكم لم يقدر غيري على منعكم و ان أزدت ان أمنعكم لم يقدر غيري على اعطائكم فانا أحنُّ من يُسأل و اولى من تضرع اليه فقولوا عند افتتاح كل أمر صغير أو عظيم بسم الله الرحمن الرحيم اي استعين على هذا الامر الذي لاتحق العبادة لغيره الا له العجيب اذا دعى، المغيث اذا استغيث الرحمن الذي يرحم ببسط الرزق عليه الرحيم بنا في ادياننا و دنيانا و آخرتنا خفف علينا الدين و جعله سهلا خفيفاً و هو يرحمنا بتمييزنا من اعدائه ثم قال: قال يا رسول الله من حزنه امر و تعاطاه فقال بسم الله الرحمن الرحيم و هو مخلص لله و يقبل بقلبه اليه لم ينفك من احدى اثنتين اما بلوغ حاجته في الدنيا و اما يعدله عند ربه و يدخر له و ما عند الله خير و ابقى للمؤمنين. (۱۰)

مراجع و مأخذ

- ۱- رباعی از شاعر و عارف خوشگفتار، مرحوم سید محمد حسین انوار
- ۲- ترجمه منثور و منظوم از نگارنده مقاله
- ۳- قاضی بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۱ ص ۵، دارالکتب العلمیه، بیروت لبنان
- ۴- جمال الدین شیخ ابوالفتوح رازی، روح الجنان و روح الجنان، ج ۱ ص ۲۵ و ۲۶، تصحیح مرحوم میرزا ابوالحسن شعرانی، اسلامیه
- ۵- در سال وفات علامه طبرسی میان مورخان اختلاف است. در کتاب رجال امیر سید مصطفی تفریسی آمده است که بسال ۵۲۳ از مشهد مقدس به سبزوار منتقل شد و سال ۵۴۸ هجری در این شهر به دار باقی شتافت اما حاجی خلیفه در کشف الظنون سال وفات او را ۵۶۱ آورده است و در روایات الجنات وفاتش در شب عید قربان سال ۵۴۸ ذکر شده است و اینکه پس از وفات به مشهد مقدس

منتقل گردیده و در محلی موسوم به «قتلگاه» مدفون است و در کتاب مقابیس آمده است که در مغتسل الرضا (ع) در طوس بخاک سپرده شده است و گویند که قبرش در طوس معروف و مشهور است و محل زیارت مردم «به مجمع البیان ص ۵۷ جزء اول، طبع دارالمعرفه است للطباعة و النشر ثانیه ۱۴۰۸-۱۹۸۸ م مقدمه محسن الحسینی العاملی مراجعه شود»

۶- شیخ أبو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان ج ۱ ص ۸۷ و ۸۸، تصحیح السید هاشم الرسولی المحلاتی و السید فضل الله الیزدی الطباطبائی، طبع دارالمعرفة للطباعة والنشر

۷- ابو جعفر محمد بن جریر الطبری، ج ۱ ص ۷۸ طبع دارالکتب العلمیه، بیروت - لبنان الطبعة الاولى ۱۴۱۲ هـ ۱۹۹۲ م.

۸- عبدالرحمن جلال الدین السیوطی، الدر المنثور، ج ۱ ص ۱۰ تا ۳۰، دارالفکر الطبعة الأولى، ۱۴۰۳ هـ ۱۹۸۳ م لبنان بیروت

۹- شیخ ابو الفتح رازی، روح الجنان و روح الجنان ج ۱ ص ۲۸، آیه الله شعرانی، اسلامیة

۱۰- السید هاشم البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱ ص ۴۵، مؤسسة الوفاء بیروت الطبعة الثانية ۱۴۰۳ هـ ۱۹۸۳ م